

خداوندا، ز آفاتش نگه دار!

ادله منطقی برای عمر طولانی امام مهدی (عج)



حجت‌الاسلام والمسلمین خداداد نصیر...
کارشناس مرکز تخصصی علوم اسلامی

غیبت طولانی که از همان نخستین سال‌های حیات حضرت مهدی (عج) (حدود پنج سالگی) شروع شده، عاملی است که موجب می‌شود ما از امور و مسائل زندگی شخصی امام زمان (عج)، اطلاعات دقیق و مستندی نداشته باشیم. بسیاری از علاقه‌مندان امام زمان (عج) درباره زندگی ایشان و اینکه آیا همسر و فرزندان دارند یا نه، سؤال می‌پرسند، البته پاسخی متقن و مستند نمی‌توان به این پرسش‌ها داد، چون این هم از پیامدهای غیبت حضرت بقیه... الاعظم (عج) است. اما بی‌اطلاعی از آن‌ها به معرفت و شناخت ما از امام عصر (عج) ضرری نمی‌رساند و دانستنشان، اعتقادات ما را تقویت نمی‌کند. خوب است درباره موضوعاتی سخن بگوییم که به تقویت دین و اعتقادات و معرفت ما به امام، کمک کند.

از ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) طول عمر ایشان است. بیش از ۱۲۰۰ سال از عمر امام مهدی (عج) می‌گذرد (تقریباً ۱۱۸۰ سال). این عمر طولانی برای آن است که طبق اراده الهی، آن حضرت، آخرین حجت خدا و بقیه... الاعظم (عج) برای اجرای اهداف اولیا و انبیا هستند که باید تا زمان ظهور و قیام جهانی این حیات ادامه یابد. ممکن است درباره چرایی این طول عمر پرسیده شود؛ چون در دنیای امروز ما، عمرها محدود است و تعداد کمی از انسان‌ها به بالای صد سالگی می‌رسند. لذا باور عمر چندقرنی سخت است. اما این موضوع از نظر عقل و علم پزشکی و تاریخ و از نظر کتاب‌های آسمانی تورات، انجیل و قرآن، عجیب و غریب نیست و امکان دارد.

در قرآن، آیه‌ای است که نه تنها از عمر طولانی بلکه از امکان زنده ماندن انسان تا روز قیامت خبر می‌دهد؛ چنان‌که می‌فرماید: اگر حضرت یونس (ع) در شکم ماهی تسبیح خدا را نمی‌گفت، تا روز قیامت در شکم ماهی باقی می‌ماند؛ یعنی علاوه بر حضرت یونس (ع) آن نهنگ هم عمر جاودان می‌یافت.

علاوه بر این، قرآن کریم در آیه ۱۰۴ سوره مبارک عنکبوت می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا آلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ آلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسًا يَتَمَّامًا...» و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنان، هزار سال به استثنای پنجاه سال درنگ کرد...» یعنی حضرت نوح (ع) فقط ۹۵۰ سال نبوت داشته است. در روایات برای ایشان عمر ۲۴۵۰ سال ذکر شده است و نیز برخی روایات بر عمر ۴ هزار سال ایشان تأکید می‌کنند.

امام سجاد (ع) فرمودند: «در مهدی (عج) ما شیوه و سنتی از نوح (ع) است و آن، طول عمر ایشان است». درباره حضرت عیسی (ع) نیز قرآن می‌فرماید: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَّوهُ وَلَكِنَّ شَيْئًا لَّهُمْ» یعنی عیسی (ع) کشته نشده و به صلیب کشیده نشده است، بلکه خدای تعالی او را به آسمان برده است. در آیه ۱۵۷ سوره مبارک نسا بر زنده بودن حضرت عیسی (ع) تصریح می‌شود. مهم آنکه همه فرق اسلامی حتی وهابیت به استناد قرآن، به این حیات اعتقاد دارند که نزدیک به ۲ هزار سال از عمر ایشان گذشته است.

در تورات و انجیل هم از عمر طولانی برخی انبیا سخن به میان آمده است، چنان‌که می‌گوید: تمام ایام آدم، ۹۳۰ سال بود که فرمود، تمام ایام نوح ۹۵۰ سال بود که فرمود، تمام ایام قینان پیغمبر ۹۱۰ سال بود که فرمود، یعنی تورات، افرادی را که پیش از ۹۰۰ سال عمر داشته‌اند، به تصریح نام برده است. در عهد جدید، بخش اعمال رسولان، آیات یک تا ۱۲ به زندگی دوباره حضرت عیسی (ع) و آمدن دوباره او اشاره شده است. عمر بشر در آیین یهود و مسیح هم به ۱۰۰۰ سال محدود نمی‌شود. همچنین از نظر علمی و عقلی طول عمر پذیرفته شده است. علم پزشکی هم این موضوع را تأیید می‌کند.

فراتر از این، باید بدانیم چه کسی عصای موسی (ع) را از آنها کرد، چه کسی از دل کوه برای صالح (ع) شتر بیرون آورد، چه کسی بنی اسرائیل را به سلامت از نیل عبور داد، پاسخ همه این سؤالات، خداست. چنین خدایی نمی‌تواند عصاه معجزات همه انبیا و اولیای الهی را که مجری همه وعده‌های قرآن است، در آخرین ذخیره خود که قائم برحق است، قرار دهد و به او عمری طولانی عنایت کند؟ امام حسن مجتبی (ع) فرمودند: «خدا عمر او را در دوران غیبتش، طولانی می‌کند و بعد به قدرت خدایی اش، در سیمای جوانی تقریباً چهل ساله آشکار می‌کند تا مردم بدانند خدا بر هر کاری تواناست.»

پاک‌کنندگی تابش آفتاب

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۲۸۹۰۲۰۰۰ یا ما در میان بگذارید.

پرسش: آیا تابش نور آفتاب می‌تواند البسه و پتو یا فرش را هم پاک کند؟

آفتاب؛ زمین و ساختمان و چیزهایی مانند در و پنجره که در ساختمان به‌کار برده شده‌اند و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده‌اند و جزو ساختمان حساب می‌شود، با شش شرط پاک می‌کند:

[اول] چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد، تر شود، پس اگر خشک باشد، باید به وسیله‌ای آن را تر کند تا آفتاب خشک کند.

[دوم] اگر عین نجاست در آن چیز باشد، پیش از تابیدن آفتاب، آن را برطرف کنند.

[سوم] چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا پر و مانند این‌ها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی‌شود، ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، اشکال ندارد.

[چهارم] آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند، پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود، پاک نمی‌شود، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده است، اشکال ندارد.

[پنجم] آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرورفته است، یک مرتبه خشک کند، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و دفعه دیگر زیر آن را خشک کند، فقط روی آن پاک می‌شود و زیر آن نجس می‌ماند.

[ششم] مابین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می‌تابد، جسم پاک دیگری فاصله نباشد.

[*] همچنین آفتاب، حصیر نجس را پاک می‌کند و درخت و گیاه نیز به واسطه آفتاب پاک می‌شوند.

[*] بنابراین تنها راه پاک شدن لباس و پتو یا فرشی که نجس شده است، شستن با آب است و این وسایل اگر نجس شوند، با تابیدن آفتاب بر آن‌ها پاک نمی‌شوند.



شششنبه
۱۳ دی ۱۳۹۳
شماره ۴۴۰

۱۴
SHAHARANE NEWS IR



حضرت محمد (ص): إِنْ أُمَّ... يُبْعَثُ النَّبِيَّ فِي حَيَاتِهِ، السَّخِرَ عِنْدَ وَفَاتِهِ (میزان الحکمه، جلد پنجم)

خداوند از کسی که در زمان حیات خود خسیس باشد و در هنگام فرارسیدن مرگش بخشنده شود، نفرت دارد.

بررسی فزاینده‌ی مهم زندگی عقیده ولایت، حضرت زینب (س) که محور مقاومت را زنده نگه داشت

حامی ولایت، ناجی مقاومت

آمنه مستقیم! بیشتر ما حضرت زینب (س) را به نقش آفرینی بی‌مثالشان در واقعه کربلا و رساندن پیام عاشورای حسینی می‌شناسیم و شاید کمتر توجه کرده باشیم به اینکه آن بانو یک شبه به چنان فضایل و مقامات دست نیافت، بلکه عمری مجاهدت، خودسازی و تربیت در محضر معصومان (ع) بود که سرانجام کار را به جایی رساند که به تعبیر شاعر، کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب (س) نبود. به مناسبت فرارسیدن سالروز رحلت عقیده بنی‌هاشم (س) و در بررسی سیره و منش آن بانوی بزرگوار، با معصومه ظهیری، استاد حوزه و دانشگاه، گفت‌وگو کرده‌ایم.

خدا محور در همه لحظات

نیمه‌ماه‌رحب در تاریخ قمری، مصادف است با رحلت جانسوز عقیده ولایت امیرالمؤمنین (ع)، ثمره ازدواج امیرمؤمنان (ع) و زهرای مرضیه (س) و همچنین چهره درخشانی که بسیاری از مورخان وقتی می‌خواستند وقایع این خانواده را بنگارند، بعد از امام حسن (ع) و امام حسین (ع) رسیدند به دختری که زینت پدر نام گرفته بود و زندگی مبارکش سراسر ایمان، تقوا، جهاد، هجرت، انبار وفاداری، صبر و استقامت، شجاعت، مدیریت بحران، علم و خدامحوری در همه لحظات بود.

مدیریت امور با عقلانیت

تای به‌کاررفته در واژه «عاقله» برای حضرت زینب کبری (س)، از جنس تأیید نیست، بلکه تای تکثیر است؛ یعنی بانویی که بسیار اهل عقلانیت است و امور را با عقل مدیریت می‌کند و با وجود زن بودن، عقل بر احساسش غلبه دارد و در کنار ذکاوت و حسن تدبیر و اندیشمندی، بانویی محدث، مفسر و معلم است و این ویژگی معلم و عالمانه بودن در تأثیرگذاری ایشان بر امور اجتماعی و ارتباط با مردم، کاملاً محسوس و مورد توجه بوده است.

اثرگذار در حیات ۷ معصوم (ع)

کمتر چهره‌ای داریم که محضر هفت معصوم (ع) را درک کرده و در همراهی با آن‌ها تأثیرگذار بوده باشد. زینب کبری (س) محضر پیامبر (ص)، حضرت زهرا (س)، امیرالمؤمنین (ع) و سپس امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) را درک و به آن‌ها خدمت کردند؛ هرچند اوج قله حرکت فردی، خانوادگی و اجتماعی حضرت زینب (س) از مدینه به مکه، سپس به کربلا، از آنجا به کوفه و شام و نهایتاً بازگشت به مدینه است.

همراهی آگاهانه با کاروان کربلا

حضرت زینب (س) از نظر شخصیتی، فردی مدیر، وفادار به امامت و بانویی امین برای امامت و عبید صالح خدا و تکلیف‌مدار بودند و همراهی ایشان با کاروان کربلا یک انتخاب فردی و آگاهانه بوده است. علاوه بر این، ایشان همسری وفادار و همدل بودند و با اینکه همسرشان به دلیل شرایط جسمی امکان همراهی امام حسین (ع) را نداشت، به حضرت زینب (س) اجازه حضور در کنار سیدالشهدا (ع) و کاروان کربلا را داد.

نزدیک‌ترین چهره به معصومان (ع)

وقتی از حضرت زینب (س) به‌عنوان نزدیک‌ترین چهره به معصومان (ع) -که خود معصوم نیست- یاد می‌کنیم، می‌بینیم سیره و روش، منش و اندیشمندی، ایشان را به قدری بلندمرتبه کرده است که در نگاه‌های مهم صدر اسلام، نامشان در کنار حضرات معصوم (ع) می‌آید و جنبه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و نیز عملکرد و کنشگری و تأثیر اجتماعی این بانو بسیار درس‌آموز است. برای درک بهتر این درس‌ها باید زندگی عقیده خانه ولایت را در سه برهه زمانی بررسی کنیم.



حضور اثرگذار به‌عنوان مادر شهید

از ویژگی‌های مهم سیره حضرت زینب (س) نقش آفرینی درست و به‌جا در همه برهه‌هاست. ایشان در هنگام واقعه عاشورا اگرچه پنجاه و چهار سال سن داشتند، از نظر فردی، مسئولیت‌پذیر، مسلط بر اوضاع، ولایت‌مدار و دارای قدرت مدیریت بحران بودند. در جایگاه مادری نیز فرزندان را تربیت کردند که حامی و مدافع امام زمان خود بودند و بنا بر نقل تاریخ، دو پسر ایشان در یکی از منزلگاه‌ها به کاروان امام حسین (ع) پیوستند و در کربلا به شهادت رسیدند. زینب کبری (س) با وجود تمام عشق مادری حتی با بیکر مطهر آن‌ها مواجه نشدند تا می‌آید آس مادری پرور و روحیه ایثارشان غلبه کند!

حفاظت از بقیه... زمان

شخصیت، ایمان و اراده و تدبیر زینب کبری (س) به‌گونه‌ای بود که مسئولیت اجتماعی مقابله با ظلم و زیاده‌طلبی، دفاع از ولایت، همراهی و شاید فرماندهی در میدان در زمانی که اقتضای آن می‌کند و هنگامی که امام زمانشان و یاران‌شان به شهادت رسیده‌اند و حفظ جان بقیه... یعنی امام سجاد (ع)، به این بانو سپرده می‌شود. لذا این برهه از حیات عقیده بنی‌هاشم، همه ابعاد زندگی ایشان را شامل می‌شود؛ کسی که جز خدا را نمی‌بیند و او را حاضر و ناظر بر همه احوال خود می‌داند.

درسی بزرگ برای تاریخ

با مدیریت به‌جا و عقلانی و مشی اقتدار و سعه صدر حضرت زینب (س)، زنان و کودکان کاروان کربلا راوی حق شدند و نقاب از چهره زور و تزویر و ریای دشمن برداشتن و پیام عاشورا را از مرزهای محصور نینوا، خارج و به بیرون از مرزهای شبه جزیره عربستان صادر کردند. این چنین، جمع‌بندی فوق‌العاده‌ی بانوی توان فردی، ایجاد همدلی میان دختران و پسران هاشم و نقش آفرینی اجتماعی فراز از زمان و مکان برای زینب کبری (س) رقم خورد و عقیده ولایت برای همیشه ثابت کردند که زنان نیز در کنار مدیریت احساس همسری و عاطفه مادری و در عین اینکه دستی بر گروه‌تربیت نسل صالح‌دارند، بادیست دیگر، سلامت و سعادت جامعه را در محور رضایت الهی رقم می‌زنند.

زنده نگاه داشتن محور مقاومت

از مهم‌ترین فزاینده‌ی حیات زینب کبری (س)، مدیریت امور داخلی کاروان کربلا در آن شرایط بحرانی و جنگ تحمیلی بوده که امام حسین (ع) کار رسیدگی به امور زنان و کودکان و تقسیم ارزاق در شرایط تحریم رایه‌ایشان سپردند. بعد از شهادت امام حسین (ع) و یاران‌شان نیز تسکین دهنده آرام کاروان اسرا بودند و با عکس‌العمل‌های جا‌مقابل دشمن، محور مقاومت را زنده نگاه داشتند و در شرایطی که به‌ظاهر همه چیز به نفع دشمن تمام شده بود، کاری کردند که از خاکستر و آتش کربلا، ققنوس‌های تازه نفس متولد شدند؛ برای همین می‌گویند: «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب (س) نبود.»

نقش آفرینی در مدینه

فصل سوم حیات بابرکت زینب کبری (س)، بعد از شهادت امیرالمؤمنین (ع) و بازگشت به مدینه آغاز می‌شود، برهه‌ای که با وقایع خاص همراه است. اینجا هم حضرت زینب (س) مورد اعتماد امام زمان خود است و در زمان شهادت امام حسن مجتبی (ع)، زینب کبری (س) نزد برادرشان، امام حسین (ع)، می‌آیند و امور مدیریت می‌کنند؛ البته این فصل دو بخش دارد: نخست زمان امامت امام حسن (ع) که به همراه امام، به امور زنان مدینه هم رسیدگی می‌کردند و بخش دوم، همراهی با امام حسین (ع).

آموزش زنان کوفه

در دومین دوران زندگی، حضرت زینب (س) علاوه بر هجرت از مدینه به کوفه، به دلیل وضع مالی خوب همسرشان، مهمان‌خانه‌ای برای میزبانی از نیازمندان برپا کردند و پذیرای آن‌ها بودند. علاوه بر این، برای زنان و دختران کوفه، کرسی درس و بحث به‌راه‌انداختند و در آن کرسی، تفسیر قرآن و حدیث می‌گفتند و به سؤالات بانوان پاسخ می‌دادند. احاطه علمی ایشان بر مسائل به قدری بود که امام سجاد (ع) از ایشان به «عالمه غیرمعلمه» (بانویی دانشمند که از کسی آموزش ندیده است)، یاد می‌کند.

دیدگاه معصومان (ع) درباره نظم و انضباط

نظم و نظام باعث آسودگی است

غذا و چربی وجود داشت و فکر می‌کرد که این لکه‌ها قابل رؤیت نیستند، لکه‌هایی که بر اثر طولانی بودن مدت حضورشان بر روی لباس، ثابت شده بودند. در کنار همه این‌ها، او معتقد بود از نظم ذهنی خوبی برخوردار است و در پی تمام این بی‌نظمی‌ها، نظم وجود دارد، نظمی که فقط خودش آن را می‌دید، در ذهنش بود ولی هیچ نمود خارجی و بیرونی نداشت. نظم و ترتیب در انجام همه کارها،

نیولوفر نوییدی دفتر، کیف پول، سوئیچ ماشین، کلاه و شال‌گردن، جوراب، عینک، انگشتر، ساعت، پلاستیک خریدهایش و پوست شکلاتی که پشت در خانه آخرین تکه‌اش را خورده بود، به ترتیب وسایلی بودند که بر روی پیشخوان آشپزخانه جا خوش کرده بودند. سویشرت و شلوارش نیز روی مبل کناری بود، چرا که فردا عصر، کلاس داشت و باید دوباره همان لباس‌ها را می‌پوشید. از راه که می‌رسید، خسته بود. وقت شستن خریدها و میوه‌ها را نداشت. از پلاستیک میوه‌های نیست کنار سینک ظرفشویی، یک سیب و یک پرتقال برداشت و آن‌ها را آبی کشید. چاقویی پیدا کرد، گوشه‌اش

سبب می‌شود در کمترین زمان ممکن، بیشترین بهره‌وری را داشته باشیم. در دین مبین اسلام نیز توصیه‌ها و احادیث بسیاری از معصومین (ع) در این باره آمده است. در نامه ۴۷ نهج‌البلاغه، امام علی (ع) در وصیت‌نامه خود شان خطاب به دو فرزند بزرگوارشان، امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، می‌فرماید: «به شما و همه فرزندانم و هرکه نام‌ام به او رسد، به ترس از خدا و نطم در کارهایتان، سفارش می‌کنم» و همچنین در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «هر چیز را در جای خود قرار بده و هر کار را در هنگام خود انجام بده!»